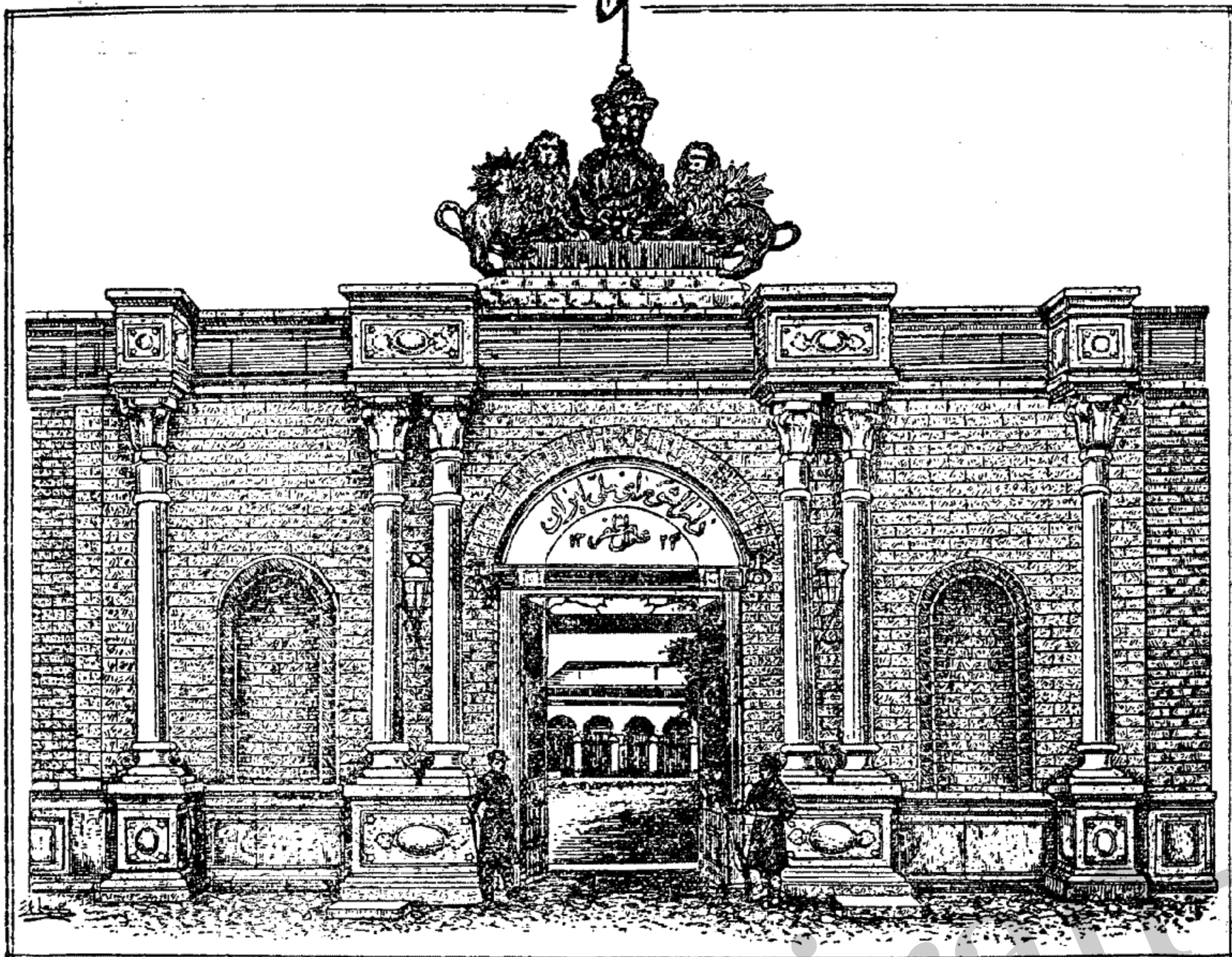


دوره ششم تفصیله

<p>شماره ۱۵۷</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>جلسه ۱۹۲</p>
<p>قیمه اشتراك داخه ايران ساليانه ده تومان خارجه « دوازده تومان ~~~~~ قیمه تك شماره يك قران</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاكرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود ~~~~~ پس از ختم هر جلسه كليه مذاكرات در يك شماره منتشر میشود. ~~~~~ مصنعه مجلس</p>	<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه پنجشنبه ۲۱ دعاه ۱۳۰۶ ~~~~~ مطابق ۱۸ رجب المرجب ۱۳۴۶</p>

فهرست مندرجات



مذاکرات مجلس دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس پنجشنبه ۲۱ دیماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۸ رجب المرجب ۱۳۴۶

جلسه ۱۹۲

(مجلس دو ساعت و یک ربع قبل از ظهر ریاست آقای بیرنبا تشکیل گردید)
(صورت مجلس یوم سه شنبه ۱۹ دیماه را آقای نکهبان قرائت نمودند)

غائبین با اجازه جلسه قبل
آقایان : ذوالقدر - دشتی - مهدوی - عدل - میرزا
ابراهیم آشتیانی - میرزا حسن خان وثوق
غائبین بی اجازه جلسه قبل

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	تجدید اقتراع شعب سه	۳۱۶۰	۳۱۶۱
۲	مذاکره نسبت بخر کیسیون بودجه راجع به استخدام متخصمین مالی	۳۱۶۱	۳۱۷۷

آقایان: حاج علی اکبر امین - اسدی - مرتضی قلی خان بیات - امام جمعه شیراز - اعظمی - نظام مافی - زارع - حاج حسن آقا ملک - حاج غلامحسین ملک دبیر آمدگان با اجازه جلسه قبل

آقایان عراقی - فومنی - مولوی

دبیر آمدگان بی اجازه جلسه قبل

آقایان: سهراب خان - حاج میرزا حبیب الله - جلالی شریعت زاده - حاج شیخ بیات - بهار - جهانشاهی - سلطان محمد خان عامری - زنکنه - محمد ولی میرزا

رئیس - آقای فرمند

فرمند - بنده کسالت داشتم و در جلسه گذشته اجازه خواسته بودم و از مقام ریاست هم استعفاء کرده بودم رئیس - از کمیسیون تحقیق و اصلاح میشود آقای دهستانی

دهستان - در جلسه نوزدهم دی بنده را غائب بی اجازه نوشته بودند در صورتیکه بنده اجازه خواسته بودم و بمقام ریاست هم عرض کرده بودم

رئیس - این هم تحقیق میشود. صورت مجلس ایرادی ندارد.

(گفتند خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد

وزیر مالیه - بنده میخواستم از آقایان تقاضا کنم موافقت بفرمائید خبر از کمیسیون بودجه راجع متخصصین مالی که مدن است خبرش تقدیم شده در دستور باشد رئیس - شعبه ها باید امروز تجدید شود. بهر

شعبه هیچکس نفر قرار میگردد الا شعبه اول و دوم و سوم و چهارم که نوزده نفر میشود

(اقتراع بعمل آمده و نتیجه بقرار ذیل حاصل شد)

شعبه اول آقایان: حسنخان فرمند - طباطبائی دیبا دکر رفیع خان امین - امامی - ارباب کیخسرو شاهرخ ملک مدنی - شریعت زاده - میرزا ابراهیم خان افخمی

محمد ولی میزا - سهراب ساکینان - ثابت - طباطبائی - وکیلی - روحی - سید یعقوب - کی استوان - حاج شیخ بیات - دکتر سنک - اعتبار

شعبه دوم آقایان: شیروانی - حاج میرزا حبیب الله - امین - مهدوی - سید کاظم بزدی - دولتشاهی - خطیبی ضیاء - دکتر طاهری - میرزا حسنخان اسفندیاری نجومی - جهانشاهی - محمدرضا - میرزا احمد خان بدر دکتر مصدق - تیمور ناس - اسکندر خان مقدم - میرزا حسنخان مستوفی - عراقی

شعبه سوم - آقایان: تقی زاده - حاج میرزا مرتضی - امیر اسد الله خان عامری - حاج شیخ عبدالرحمن ملک اینج میرزا پور تیمور - میرزا حسنخان وثوق سید علی اکبر آیه الله زاده - حاج آقا حسین زنجانی میرزا بدالله خان دهستانی - فرشی - مدرس - شیخ الاسلام ملایری - والی زاده جوانشیر - فیروز آبادی - سلطان محمد خان عامری - عمادی - بهبهانی - ثقة الاسلامی

شعبه چهارم - آقایان: آقازاده سبزواری - خواجوی آقا سید حسین آقایان - مفتی - زوار - نوبخت - نگهبان - عباس میرزا فرمانفرمائیان - محمد تقی خان اسعد - معظمی - میرزا سید مهدی معتمد - سید زین العابدین فومنی - جلالی - دکتر لقمان - باسائی لبقوانی - حشمتی - معتضد استرآبادی

شعبه پنجم - آقایان: میرزا عبد الله خان وثوق عدل - دادگر - آیه الله زاده خراسانی - دیوان بیگی محمد هاشم میرزا افسر - عصر انقلاب - بامداد - امیر حسینخان ابلیخان - آقا سید محمد تقی طباطبائی - میرزا حسین خان وزیر - میرزا ابراهیم آشتیانی - پالیزی - آقا سید جواد محقق - حاج آقا رضا رفیع - حسنعلیخان فرمند - علیخان حیدری - بنی سلیمان

شعبه ششم - آقایان: بچی خان زنکنه - میرزا عبد الباقی جمشیدی - امیر تیمور کلالی - محمد آخوند میرزا ابراهیمخان قوام - فهیمی - افشار - احتشامزاده

حقنویس - میرزا حسنخان ابراهیمی - پیرنیا - مولوی غلامحسین میرزا مسعود - میرزا عبدالحسین - میرممتاز میرزا ابراهیم امام جمعه اهر - زعیم - اسکندری

شعبه اول اضافه شد آقای ملک آرائی
« دوم » « بهار »
« سوم » « میرزا علی کازرونی »
« چهارم » « میرزا حسنخان موقر »

رئیس - جمعی از آقایان پیشنهاد کرده اند که لایحه متخصص مالی مطرح شود لکن آقای کازرونی پیشنهاد کرده اند لایحه اختیارات رئیس کل مالیه مطرح شود کازرونی - چون آقایان این طور مقتضی می دانند که لایحه متخصصین مالی مطرح شود بنده پیشنهادم را استرداد میکنم

رئیس - لایحه متخصصین مالی مطرح است لایحه يك شوری است مخالفی که ندارد

(گفتند خیر)

رئیس - مذاکرات راجع به کلیات است. آقای بامداد

بامداد - يك اصل کلی که جای تردید نیست که باید در هر موضوعی احتیاج مردم را سنجید و تشخیص داد و به تناسب او برای رفع احتیاج کوشید. هر طبیبی برای هر دردی خوب نیست برای هر دردی يك طبیب مخصوصی لازم است باید ما نگاه کنیم که مالیه ما چه احتیاج دارد. مالیه امروز ایران چه احتیاجاتی دارد.

آن وقت بهمان تناسب متخصص فنی و مستشار و هر چه اسمش را بگذارید بیاوریم و در خور همان احتیاجات به آن شخص وسائل کار بدهیم که انجام بدهد. مالیه ما قبل از همه چیز محتاج به تشکیلات است. تشکیلات این مالیه هم خوب نیست و متناسب با احتیاجات ایران نیست. يك مالیه عریض و طویل که هر دوره هر وزیر هر کابینه آمده است و يك چیز هائی بر او اضافه کرده

است بدون اینکه تناسب و مقتضات را رعایت کرده باشد بودجه اش هیچ تناسب ندارد صدی هر قدر حساب کنیم دو مقابل هر مملکتی از ممالک دنیا حساب کنیم باز مالیه مملکت ما زیاد تر است تشکیلاتش مثل سیب است مثل بنای در سیب است متصل زیر و زیر می شود بالاخره باید وزارت مالیه دارای يك تشکیلات ثابتی باشد که در اثر وجود هر شخصی تغییر نکند بنده ایرادی که به مستشار سابق مالیه داشتم (با اینکه پول را خوب جمع آوری میکرد و نگاه مبادت) ولی در تشکیلاتش ضعیف بود بنده بخود او هم گفته بودم که این تشکیلات تشکیلاتی که متناسب با ایران باشد نیست مالیه ما درخت بی ثمر بر از شاخه و برگ است چنانچه يك بدبختی که احتیاج پیدا میکند به آنجا او میفهمد که این مالیه چقدر ننگین است این وزارت مالیه چقدر سبب بدبختی مردم شده است کسانی که در این مجلس تشریف دارند و سمت نمایندگی دارند البته بیشتر طرف ملاحظه هستند درها بروی ما باز است فکر کنید يك اشخاصی که این مقام و موقعیت را ندارند يك مراسله مینویسند بعد از ششماه به ظالم آنها مراجعه میشود او هم البته جواب میدهد حق با من است بنده معتقدم که باید فکری کرد و يك شخصی را آورد که این قدم را اول بردارد و يك تشکیلات متناسبی با احتیاجات ایران بدهد آن هم محکم یعنی با آمدن يك شخص یا يك وزیر تغییر نکند. این عقیده بنده است راجع به تمام وزارتخانهها مخصوصاً وزارت مالیه که ديك بخار تمام وزارت خانهها است امروز شما وقتی نگاه کنید به اوضاع مالیه حقیقه يك مأمور نیست که خودش را تا فردا در پشت میز ثابت بداند بنده عقیدم ام این است که باید طوری تشکیلات بشود که تمام مأمورین قوی القلب باشند در اینکه اگر انجام وظیفه کردند ثابت هستند و مراتب قانونی نایل میشوند و اگر نکردند مجازات میشوند دو قسمت است در اینجا یکی راجع به متخصص مالی است و مستشار یکی هم راجع بجزانه دار در قسمت مستشار تمام این چیز هائی که عرض کردم ابدأ تأمین نمی شود

به مجلس آورده ایم و گذرانده ایم نیست در هر صورت ما باید این لایحه را تصویب کنیم و در عین حال تصدیق بفرمائید که فلسفه استخدام متخصص مالی برای این مملکت منحصرأ برای تشکیلات یا نوشتن پروژه نیست شما بالاخره باید اعتبارات این مملکت موجبات اقتصادی این مملکت را بیک وسائل مفیدی در دنیا محرز کنید و البته این بدست خود ما میسر نیست و الا نوشتن پروژه یا مراجعه به کتاب شاید برای تحصیل کرده‌های ما هم میسر باشد. ما باید بوسیله جلب یک عده متخصصین و مأمورین اعتبارات این مملکت را در خارج منعکس کنیم. شما همین دوسه سالی که خرج و دخل مملکتتان تعادل پیدا کرده در نتیجه امنیت و آسایش عمومی بوده است که مملکت قدری رونق با بادی و عمران رفته است و ما توانسته ایم که جمع و خرج مملکتان را تطبیق کنیم. این را باید عرض کنم صد در صد اعتبارات مملکت ما در خارج زیاد شده است و این کافی نیست شما میگوئید فقط ما قرض نداریم تا آخر سال کسر بودجه نداریم ولی تصدیق بفرمائید که بودجه ما یک بودجه خیلی ضعیفی است و وضعیت مالی مملکتان خیلی ناقص است و بالاخره باید یک وضعیت دیگری را اینجا ایجاد کرد بنا بر این لازم است که ما به اشخاصی که بیشتر از ما ذی فن هستند مراجعه کنیم و راجع بنواقصی که فرمودند عرض میکنم که همین نواقص ایجاد کرده است که ما زودتر یک اشخاصی را بیاوریم که این نواقص را رفع کند فرمودند که این مستشار وجودش تاثیر ندارد لابد لایحه را مراجعه فرموده اند این شخص که مامی آوریم مستشار نیست این یک نفر متخصص است که یک قدری نافعتر از کتاب است برای اینکه باید وضعیت اقتصادی این مملکت، فلاحت این مملکت بالاخره رونق تحت الارضی این مملکت همه را در نظر بگیرد آنوقت به کتاب مراجعه کند و یک پروژه متناسب با استعداد این مملکت بدست بیاورد.

زیرا یک نفر آدمی است که فقط طرف مشورت است یک پولی ما هوش میدهیم و یک دستگاهی هم برایش درست میکنیم او یک چیزی میگوید من خواستم اجرا میکنم نخواستیم نمیکم. بنده به آقای وزیر عرض کردم که خوبست عوض مستشار شما تقاضای اعتبار بکنید و یک دوره کتاب مالی و اقتصادی بخواید و هر وقت خواستید بهمان فصل رجوع کنید ما تجربه کرده ایم مکرر که مستشار این جور بدرد نمیخورد مثل بزنی و آن بیزوی فرانسوی در صورتیکه شخص بیزوی یکی از متخصصین عالی مقام فن اقتصاد است ولی برای ما فایده نکرد چنداناً جزوه و کتاب از او بیادکار مانده که معلوم نیست کجا است در باب خزانه دار بنده از ناچاری موافقم که خوببختانه کمیسیون بودجه هم یک اصلاحاتی کرد و نامین کرد این مقصود را که خزانه دار با یک اختیاراتی که دارد رفتار کند و پولهایی که میدهد بر طبق قوانینی باشد که به او اجازه داده شده است و این بسیار خواست ولی نتیجه آن دو نفر دیگر چی است این است که مالیه که حالا هست بعد از دو سال باز بهمین صورتی که هست ما تسلیم میشود ما به یک نفری که پول میدهم در مقابل احتیاجی است که به او داریم ما مقصودمان توسعه اقتصاد عمومی است که باید مردم پر زور بشوند و مالیه ما آباد شود بنا بر این بنده با آن متخصصی که اسمش مستشار است و طرف مشورت است کاملاً مخالفم و هیچ درد بیدرمان مالیه رادوا نخواهد کرد ولی در قسمت خزانه دار موافقم این است نظریات بنده.

شیروانی (مخبر کمیسیون بودجه) اظهارات نماینده محترم مخصوصاً راجع به معایب فعلی مالیه و نقص تشکیلات خودشان تصدیق میفرمایند که ما باید بصورت فعلی این وزارتخانه ها هر چه زودتر خامه بدهیم و بنده تصور میکنم که لزوم سرعت و تصویب این لایحه کمتر از قرار داد ها و کمتر از آن لواجیحی که ما مکرر به قید در فوریت

یس باید متخصص بیاید و وضعیت این مملکت را در نظر بگیرد و در عین حال اگر نواقصی در اختیارات این متخصص می بینید باید پیشنهاد بفرمائید و عمده شاه ماده این لایحه همان ماده راجع بخزانه دار است و آن اختیاراتی که مجلس شورای ملی لازم میدانند بیک نفر مسؤل جمع و خرج مملکت بدهد آن راه هم در ضمن شور مواد باز اگر نواقصی آقایان ملاحظه می فرمایند پیشنهاد میفرمایند لابد میرود بکمیسیون و بحث میشود اصلاح میشود

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - بطوریکه تجربه داریم و همه آقایان نمایندگان محترم متوجه هستند ما برای دو مسئله مهم است که محتاج هستیم به اینکه متخصص و مستشار از ممالک متمدنه بیاوریم و از وجود آنها استفاده کنیم. یکی برای کسب اطلاعات است که بتوانیم از اطلاعات آنها استفاده کنیم و یکی هم برای این نظر است که شاید هر وقت ایرانیها در رأس کاری باشند همیشه مقهور مسائل داخلی و خصوصیات میشوند و همیشه در امورات رعایت دوستی را میکنند رعایت دشمنی را میکنند

بعضی از نمایندگان - اشتباه است

موقر - کارهای مردم را دو ماه معطل میکنند ملاحظه دوستی است؟

مدرس - حق نگوی آقای

احتشام زاده - اجازه بفرمائید بنده عقاید خودم را عرض کنم شاید اشتباه کرده باشم ممکن است آقایان بعد اشتباه مرا رفع کنند بالاخره برای پیشرفت این دو مسئله مهم است که ما محتاج هستیم یک اشخاصی را بیاوریم و از وجود آنها استفاده کنیم و البته بایستی این اشخاصی را که میآوریم و میخواهیم از وجودشان استفاده کنیم یک اختیاراتی هم به آنها بدهیم که در نتیجه تأمین این نظریه اصلاح بکنند اوضاع اقتصادی و اوضاع ادارات ما را البته بنده معتقد نیستم که یک

متخصصین یا یک مستشارهایی که میآوریم بقدری بهشان اختیار بدهیم که اگر آنها عمداً یا سهواً بخوانند از وظایف مربوطه خودشان تجاوز کنند یا بخوانند قانون را سوء تفسیر کنند دست ما بسته باشد و نتوانیم جلو گیری کنیم بنده معتقدم که باید مستشار ها و متخصصین که میآوریم در یک حدودی اختیارات بهشان بدهیم و ضمناً برای دولتها هم یک اختیاراتی قائل شویم که دولتهای وقت هم بتوانند از تجاوزات و زیاده رویهای آنها جلو گیری کنند از طرفی هم این عقیده را دارم که آنها را هم بکلی بی اختیار نباید گذاشت برای این که اگر بکلی بی اختیار باشند همانطور که گفته شد وجود آنها عیناً مثل یک کتابی می ماند که بتواند مطالب خودش را بگوید بنده معتقدم در مسائل کلی در تشکیلات که یک مسائل خیلی مهمی است و اطلاعات داخلی از وضعیت مملکت فوق العاده درش مؤثر است باید مستشارها درش مشورت کنند ولی در امور جزئی در اتصالات در پرداخت مخارج در جمع آوری مالیات مطابق یک قوانینی که مجلس شورای ملی وضع میکنند به آنها اختیارات کامل بدهیم که هیچگونه ملاحظاتی خصوصاً نتواند آنها را منحرف کند از انجام وظیفه در این لایحه که ملاحظه بفرمائید تقریباً آن متخصص مالی یک آدمی است که فقط برای مشورت آمده است خزانه دار هم یک اختیارات مختصری دارد بنده معتقدم که یک کسی که در رأس امور مالی ماست یک اختیارات کاملی باید داشته باشد و حق تغییر و تبدیل و انتصاب اعضای وزارت مالیه و متصدیان جمع و خرج را داشته باشد والا فرض بفرمائید یک قسمت از مالیه ما در دست یک متخصصی باشد با یک اختیاراتی خوب سایر قسمت ها چه میشود؟ و این متخصص که در لایحه ذکر شده است تقریباً وجودش زائد است برای اینکه اگر مقصودش مشورت باشد همینطور که نماینده محترم فرمودند ممکن است کتاب بیاوریم و استفاده کنیم داعی نداریم که یک نفری را بیاوریم با یک حقوق زیادی

و برای او هم ناچاریم يك اشخاص دیگری را بیآوریم در صورتیکه معلوم نیست از وجود آنها آیا استفاده میشود یا نه بنده گمان میکنم که اصولاً طرز تنظیم این لایحه خوب نیست زیرا ما يك شخص عالیمقامی را که میخواهیم بیآوریم بایستی يك اختیاراتی به او بدهیم که در امور کلی مالیات و در تشکیلات وزارت مالیه طرف مشورت باشند و در امور انتصاب و عزل و نصب و جمع آوری مالیات و پرداخت مخارج مطابق يك سلسله قوانینی که وضع شده است با اگر لازم باشد در آئینه وضع شود اختیار نام داشته باشند منتها به هیئت دولت به وساطت وزارت مالیه این حق را بدهیم برای حفظ سیاست مملکت که اگر به بینند این مستشار از حدود وظایف خودش تجاوز کرده است یا از قوانین سوء استفاده نموده و برخلاف قوانین يك نظامنامه ها یا متحد المال هائی نوشته است وزیر مالیه بتواند از آن تجاوزات برخلاف قانون جلو گیری کند و ضمناً یک نفر دیگری را هم برای اداره تقشیش در این لایحه اسم برده اند ولی هیچ وظایف او را معین نکرده اند جز اینکه در ماده اول در رقم چهارم نوشته اند یک نفر برای ریاست اداره تقشیش از آلمان دیگر هیچ وظایف و اختیاراتی برای اداره تقشیش تصور نکرده اند. بعقیده من باید این تقیصه رفع شود. دیگر قسمت اختلاف ملیت آنها است. در لایحه نوشته شده است دو نفر از اتباع آلمان و دو نفر از اتباع سویس. بنده خیال میکنم در نتیجه اختلاف ملیت ممکن است آنها که در يك وزارتخانه و در يك کار هستند اختلاف نظر پیدا کنند و این اختلاف نظرشان اسباب اختلال امور مالیه ما بشود بنده عقیده ام این است که اگر سعی کنیم این متخصصینی که برای امور مالی لازم داریم همه را از آلمان بیآوریم هم بهتر میتوانیم از وجود آنها استفاده کنیم و هیچوقت هم اختلاف نظری در قسمت امور مالی بین آنها پیش نخواهد آمد موضوع تشکیلات مالیه هم يك موضوعی است که

زائد میدانم مسائلی را عرض کنم و همینقدر برای تأیید فرمایش نماینده محترم عرض میکنم حقیقه این تشکیلات مالیه امروزه ما جز اینکه اسباب زحمت مردم و اسباب تأخیر کار و تقریباً مالیه مملکت است هیچ نتیجه دیگری ندارد و بعقیده بنده در اولین قدمی که برای اصلاح امور مالی بر میداریم باید این تشکیلات را تغییر بدهیم و يك تشکیلات ساده تري که اسباب تسهیل کار مردم باشد و متضمن این مخارج زیاد اداری هم نباشد در نظر بگیریم این عقاید بنده است راجع بکلیات این لایحه.

رئیس - آقای آفاسید یعقوب

آفاسید یعقوب - بنده اولاً يك عرضی خدمت آقایان می کنم و گمان میکنم آقای احتشام زاده جل بر تعریض بکنند. اما استدعا میکنم لایحه که تقدیم مجلس میشود اول تا آخرش را بخوانند آنوقت به بینند کیسیون بودجه چه جور نظریاتی را که ایشان در تحت يك عباراتی بیان کردند همان ها را کیسیون بودجه ملاحظه کرده حالا بنده وارد میشوم و ماده را یکی یکی بعرض مجلس میرسانم که آقا ملتفت باشند تقصیر هم نداشته اند چون لایحه مطرح نبوده است مطالعه نکرده اند و یک دفعه وارد شده اند...

احتشامزاده - خیر آقا مطالعه کرده ام

آقا سید یعقوب - پس خیلی غریب است!! اگر مطالعه کرده اید و او بلا است من خیال میکردم مطالعه نکرده اید و ثانیاً بنده بعرض مجلس میرسانم و ادعای کنم که این لایحه بهتر باشد. عقیده بنده اینست همان طور که تصدیق داشتیم کنترای دکتر میلیو يك محسناتی دارد همانطور هم يك تقایصی در آن هست محسناتش آن اختیاراتی بود که برای رئیس کل مالیه قائل شده بودند و يك اقتداراتی باو داده شده بود. تقایص هم این بود که آن اختیارات خیلی بی اندازه بود یعنی يك اندازه بود که آقای رئیس الوزراء فرمودند که این اختیارات باندازه ایست که شاید نسبت بيك دولت مستقل نام الاستقلال

که دارای شئون استقلالی است ضرر میرساند از این نقطه نظر مخالفت میکنم این بود که ما هم باعتبار موافق بودن با دولت موافقت کردیم ولی بالاخره فیما بین التیامی حاصل نشد. در این لایحه آن اختیاراتی که برای دکتر میلیو معین شده بوده است ولی آن تقایصی که در آن جا تصور میشد در اینجا رفع شده است. یعنی نسبت بحفظ کردن مال مملکت که عبارت از خزانه باشد ما تمام اختیارات را ملاحظه کرده ایم. تمام اختیاراتی را که برای کیسیون آمریکائی ما ملاحظه کرده بودیم از نقطه نظر حفظ کردن مال بخزانه داری داده ایم. چون از خزانه مملکت يك تومان خارج نمیشود مگر بتصویب مجلس شورای ملی. پس آن اختیاراتی که شما راجع به کیسیون آمریکائی تصور میفرمودید که برای حفظ کردن خزانه مملکت بانها داده شده بود در این قانون هم کاملاً ملاحظه شده است. يك مسئله بود که اگر اختلاف نظری ما بین وزیر مالیه و رئیس کل مالیه پیدا میشد معین نکرده بود که مرجع حل این اختلاف کجا باید باشد. ولی در این جا ما مرجع را معین کرده ایم. اگر نظر بان باشد در آن صحبت و داد و قالی که چندی قبل شد بالاخره مسئله منتهی بان شد که رجوع شود به هیئت دولت و در موقع اختلاف هیئت دولت حکومت داشته باشد. معلوم است يك دولتی که میخواهد حکومت کنند نمیتواند حکمیت راجع به مستخدم خودش را بخارج بیندازد. باید تحت اراده خودش باشد ما معین کردیم که موضوع اختلاف برود به هیئت وزراء و همینطور به خزانه دار هم حق داده شده است که اگر اختلاف نظری فیما بین خزانه دار و وزیر مالیه در قسمت عزل و نصب پیدا شد یعنی اگر يك پیشنهادی او کرد و وزیر مالیه موافقت نکرد هر دو بروند به هیئت وزراء و حکم هیئت وزراء معتبر است آقا این چه عیب دارد؟ کجا رفت آقای احتشام زاده؟ اما مسئله مستشار مالی آقا مطالعه فرموده اند. آقای بامداد فرمودند که باید کتاب بیآورند

مطالعه کنند. خیر آقا این طور نیست. خود تان در کیسیون بودجه تشریف داشتید معنای مستشار و معلم چیست؟ معنایش این است که بنده اگر چیزی نمیدانم به او رجوع کنم ولی ما باین اندازه اکتفا نکردیم گفتیم آن متخصص مالی که می آید نظریات خودش را باید بیان کند و بدهد به وزیر مالیه و وزیر مالیه هم مکلف است قبول کند اگر نکرد رجوع میشود به هیئت وزراء. عرض کردم علتش این است که مطالعه نکرده وارد موضوع میشوند. تمام آن منافعی را که در زمان دکتر میلیو تصور میکردیم در این لایحه است بیاضه اینکه آن نواقصی را هم که تصور میشد رفع کردیم. ما منافع آن متخصص مالی که درجه عالی دارد ملاحظه کردیم که باید نظریات خودش را در مسائل مالی و اصلاح امور اقتصادی بیان کند و وزیر مالیه هم مکلف است قبول نماید و اگر قبول نکرد رجوع می شود به هیئت وزراء. چکار کنیم؟ برویم بفلان سفارتخانه رجوع کنیم؟! اینکه معنی ندارد همینطور در مسئله خزانه دار خزانه دار هم باید مطابق این موادی که برای او اختیاراتی قائل شده ایم مالیه ما را جمع کند عزل و نصب و ترقی و تنزل تمام اینها تحت نظر او باشد و اگر اختلاف نظری پیدا شد و وزیر مالیه موافقت نکرد باز محکمه را در هیئت وزراء معین کرده ایم که هیئت دولت خودمان حکومت کند پس اگر آقایان يك قدری مواد را ملاحظه کرده بودند تمام این اشکالات رفع میشد. يك فرمایشی آقای بامداد کردند که خیلی زیبنده نبود ظهیر من قبله الرحمه فرمودند که خوبست کتاب بیآوریم اینجا ترجمه کنیم اینطور نیست. من بعرض مجلس مقدس میرسانم که ملاحظه کنند اینجا برای متخصص مالی ما چهار وظیفه معین کرده ایم که بعد از آنکه عهده دار این وظایف شد باید راپورت بدهد به وزیر مالیه اگر وزیر مالیه دید بفتح مملکت است و قبول کرد چه بهتر والا باید برود به هیئت وزراء. بنده مکرر وقتی آقای فروغی اینجا بود می گفتم آقا من نیکویم ایران را بیشتر از شما دوست دارم ولی عقیده خودم را عرض میکنم. اینطور نیست که يك راپورتی

از متخصص مالی که مایول داده ایم آورده ایم. منافع مملکت داده شود و هیئت وزراء در هر دوره که باشد آن را زیر پا بگذارند اگر در يك موقعی هم هیئت دولت بیاید آن را زیر پا بگذارد مسلماً منافع مملکت را ملاحظه کرده والا هیئت دولت که نماینده يك لایحه که منافع مملکت آمده است از بین برود. پس آقایان اگر مواد را ملاحظه کنند می بینند که کمیون بودجه تمام نقائص را از بین برده و منافع اقتصادی را در نظر گرفته در جلسات متعدد وزیر مالیه و معاون او آمدند دیگران هم آمدند و با يك اصلاحاتی که وقتی داخل در مواد میشود متحضر خواهید شد تمام جهاتی را که برای يك ملتی که میخواهد رو بترقی برود و يك مقامات را سیر کند و مالیه خودش را اصلاح کند لازم بود ملاحظه کردیم و حفظ کیان و استقلال خودمان را کرده ایم. اما راجع باین که تشکیلات مالیه خراب است. عرض می کنم اگر مالیه ما تشکیلاتش خوب بود که نمی آمدیم متخصص بیاوریم البته چون خراب است میخواهیم درست کنیم ولی منحصراً مالیه هم نیست. وزارت داخله تشکیلاتش خوبست؟! آن یکی دیگر خوبست؟ اینها يك چیزهایی است که قدم قدم باید بچلو برویم. مکرر بنده عرض کرده ام هر فعل زمانی زمان میخواهد. فعل زمانی در آن واحد واقع نمیشود. هی قدم قدم (اگر عوائق پیش نیاید) باید رو بترقی برویم و امید وارم که بيك جایی برسیم بعد از این سیری که الان ما متوجه هستیم.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

نقی زاده - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید

نقی زاده - علاوه بر اینکه اصلاً يك لایحه مهمی که بمجلس میآید بعقیده بنده شخصاً (خلا اصراری ندارم در این مورد) دو سوری باید باشد یعنی بعقیده خودم نه تنها لواجی که فقط برای دا دن پول باشد بلکه آن لواجی هم که متضمن پول باشد (چون لواجی که متضمن پول

نباشد خیلی نادر است) باید اقل در امور کلیش يك مذاکرات بشود. بنده شخصاً دلائلی در رد با قبول مطلب نداشتم ولی اقل میخواستیم از آقای وزیر مالیه سؤال کنیم که آیا يك مذاکراتی کرده اند و يك کسی این کارها را قبول کرده که ما داخل در مشاوره مسئله میشویم. با اینکه مثل مسئله نفت پس از آنکه مشاوره میکنیم و مسئله را تمام میکنیم بعد که رجوع میکنند کسی قبول نمیکند پس لا اقل اجازه بدهند که يك کسی این را بگوید و آقای وزیر مالیه جواب بدهند والا در مواد نوبت باین چیزها نمیرسد.

رئیس - آقای روحی

روحی - عرض کنم این لایحه کلیاتی دارد و در ماده اولش عم بطور کلی میشود صحبت کرد و در قسمت آخرش هم باز يك کلیاتی دارد اما این سؤالی که فرمودند بنده اطلاع دارم که در آلمان و سوئیس با يك مقامات مذاکرات کرده اند ولی بالاخره بایستی این مسئله تمام شود و ابلاغ شود که او به بیند با این اختیارات میتواند حاضر شود یا خیر

نقی زاده - اول باید او قبول کند

رئیس - آقایان که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. آقای عراقی

بکنفر از نمایندگان - تشریف ندارند

رئیس - آقای شریعت زاده

(تشریف نداشتند)

رئیس - آقای مدرس

مدرس - در زمان یکی از خلفا نظرم میآید عمر این عبدالعزیز بود و الی بصره يك منشی گرفت نصرانی خبر به خلیفه رسید خلیفه نوشت شما چرا از خودتان منشی نگرفتید، جواب نوشت که بقدر دوتا منشی کار

میکند و بقدر يك منشی مزد میگردد و چون بقدر در منشی کار میکند و بقدر يك منشی مزد میگردد از این جهت این نصرانی را استخدام کردیم خلیفه نوشت مات النصرانی من اقتصاد را درسه چیز میدانم شاید همه هم موافق باشند. اول علم. آدم پول بدهد علم بیاورد ولو پول از مملکت بیرون برود اما عوضش علم بیاید این بهترین اقتصاد است. دوم عمل يك کاری را خودمان توانیم بکنیم يك کسی را بیاوریم آن کار را بکنند و پول بر دارد برود پول هم از مملکت بیرون برود یکی هم خود پول اقتصاد قوام و از کاش علم است و عمل و پول قوام دنیا و اداره کردن دنیا باین سه چیز است. پس ما اگر پول بدهیم علم بیاوریم ضرری نبرده ایم. اگر پول بدهیم عملی بیاوریم ضرری ندارد. اما اگر پول بدهیم و هیچ بیاوریم البته ضرر برده ایم. این را باید حسابش را کرد. اولاً رئیس کل مالیه را در دوره چهارم بود که آوردیم و حقیقتاً آرزو بود که درست کردیم بنده کاملاً موافق نبودم جهتش این بود که خیلی آورده بودیم و پول داده بودیم و چیزی گیرمان نیامده بود از این جهت بنده چندان موافق نبودم لکن مخالف هم نبودم و امید واری داشتم. از باب اتفاق ولو امریکائی ها سالی صد هزار تومان از این مملکت بردند ولی بعقیده من عوضش را عملاً بردیم. حالا من سررشته ندارم ولی میخواهیم به بینیم ما در این لایحه میخواهیم يك پولی بدهیم و عوضش يك چیزی بیاوریم. اما اینجا چیزی نیست و فقط فی الجمله از خزانه داری يك چیزهایی هست اما آن سه نای دیگرش را من هر چه مطالعه کردم (فرمایش آقای آقاسید یعقوب شب مطالعه نکردم اما باین اندازه که روز مطالعه کردم) در آن سه نای دیگرش چیزی ندیدم. میگویند يك چیزی بگوید بوزیر مالیه و وزیر مالیه هم يك چیزهایی از او بشنود. خیلی وزیر مالیه ها داریم و دیدیم که یا بلد نیستند یا بلدند و اگر کسی چیزی بهشان بگوید نمی شنوند علیهذا من از آن سه نای چیزی نفهمیدم که يك پولی

بدهیم و چیزی هم گیرمان نیاید اینرا هم بگویم اگر چه بنده کمتر بصورت آخوندی حرف میزنم ولی يك نصیحتی بنا کرده اند و آن این است که بنا دستور داده اند که هر شب آخر شب که میخواهید بخوابید حساب جمع و خرج آن روزتان را بکنید. این نصیحت را بزرگان دینی بنا کرده اند. هر کس هم هر شب حسابش را بکند که از صبح تا شب چقدر پول خرج کرده. چقدر زحمت کشیده و چقدر اخلاق صرف کرده و چقدر در امور دنیائی وقت صرف کرده به عقیده بنده فردا حواست برای کار جمعتر است و این دستور خیلی خوب است حالا بنده هم مثل عمر بن عبدالعزیز میگویم مات النصرانی اما در وقتی که يك منشی داشته باشیم که نصف نصرانی کار کند. بنده در همین مجلس بدون این که بذهن يك نفر از آقایان یا به ذهن خود شاف بیاید گفتم برای ریاست مالیه حاج مخبر السلطنه خیلی خوبست. اما صد يك آنها هم کار نکردند. من میگویم که باید علم و عمل را خرید ولیکن حساب ارزشش را هم کرد. لهذا این چیزهایی که در خزانه دار داریم اگر آدم درست و صحیح و پاکیزه حساب کند شاید يك چیزی داشته باشد اما باقیش که آن دو سه تا باشد چیزی ندارد لیکن بنده به مخبر علاود بر این عرض میکنم که این لایحه ما باید بیاید بکمیسیون قوانین مالیه که اساسش را به بینند و تصدیق یا تکذیب کنند بعد برود بکمیسیون بودجه اینجا چیزی که محل احتیاج ما است و با آقایان تذکر میدهم این است (بنده نمیگویم رئیس مالیه که داشتیم همه صفات و کمالات و علم و عمل و همه را داشت اما بعضی صفات خوب داشت) یکی تقشیر این خرج که آیا خرج میشود یا نه؟ این توی این لایحه نیست دادن را بدهند نگه داشتن را هم نگه دارند اما تقشیر و تحدید اینکه داد جاش خرج شود این لایحه آنرا ندارد و من ندیدم

باسائی - تفریح بودجه سال بسال میآید

مدرس - خوب تفریح بودجه کاغذش را دارد. اما

تعیین اینکه آنچه میدهد بجایش خرج شود ندارد بعقیده من اگر آن قید را هم داشته باشد و اکتفا بجزانه داری بکنیم يك چیزی است و الا باقی دیگرش زبادی است رئیس -- آقای رفیع

رفیع -- فرمایشات آقا تقریباً مخالف نبود يك مسئله کلی بود ...
مدرس -- باسه ناس مخالف بودم

رفیع -- که قوام دنیا بعلم است و بعمل است بالاخره همه ماها هم اینها را معتقدیم البته تا علم نباشد کار پیش نمیرود ولی خود آقا هم معتقدند که کسی را که داشته باشیم که عمل کند نداریم مجبوریم ما از خارج بیآوریم اساساً ما این لایحه نمیتوان مخالفت کرد برای اینکه لازم است چند نفری را از بیرون بیآوریم و مجبوریم باینکه هر چه هم آنها میگویند حتی المقدور بحرف آنها گوش بدهیم. آقا بکنفر از اینها را که مستشار باشد لازم نمیدانستند در حالی که در خود لایحه مصرح است که این مرد محترمی که اینجا میآید تکلیفش چه چیز است در اینجا برای او تکلیف معین شده است مطالعه در اوضاع مالی و اقتصادی و تهیه راپرتهای جامع آیا این را لازم نداریم تمام آقایان تصدیق دارند که وضع مالیاتهای ما بسیار بد است مالیات ارضی را باید الغا کرد باید طوری بکنیم که مردم در زحمت نباشند منافع ببرند مالیات هم بدهند ما خودمان میدانیم باید يك مالیاتی وضع کنیم که صدای مردم در نیاید. عراده های مملکت بخرش بیفتد این يك آدم متفکری میخواهد. نه تنها ایران همه جای دنیا تمام نقاطی که از هر حیث از ما تربیت شده تر هستند متخصص میآورند و حقوق زیاد بآنها میدهند برای اینکه لوایحی حاضر کنند و بدهند بدست دولت و بالاخره دولت میآورد اینجا مذاکره خواهد شد و با مشاوره آقایان عمل میشود تهیه پیشنهادات برای ایجاد منابع عایدات تازه و اصلاح اصول قوانین مالی. آقا تصور نمیفرمایند برای اینکه معادن و ذخائری

که ما داریم عملی بشود این يك آدم فکوری میخواهد که فکرش را بکند و بالاخره يك آدمی باشد که امضای او را دنیا بشناسند؟ البته وقتی که بدانند این متخصص در ایران مشغول است گیانیهای دنیا و عالمین آنها که اهل عمل هستند بامضای او اهمیت میدهند در اینجا مشغول کار خواهند شد و ما یولدار میشویم آنوقت البته عوایدمان زیاد خواهد شد. اصلاح ترتیب ادارات مالیه و تقلیل مخارج و حسن جریان امور مالی و اقتصادی. این را نمیخواهیم؟ خودتان تصدیق ندارید که مالیه ما با این وضع بسیار بد است؟ آقا فرمودند که حضرات آوردند. آیا باین ترتیب که آقای نامداد در ضمن مخالفت اظهار کرده هیچکدام آقایان شك دارند که اوضاع مالیه بد است همه از دست او عریضه میدهند. مردم بما شکایت میکنند عین عریضه را میفرستادند برای آن مرد که میگفت حق نداری آخر اینها باید ترتیب داده شود اگر چنانچه حقیقه مالیه بتکلیف خودش عمل میکرد که کسی شاکی نبود.

تمام این آقایان خود بنده که اینجا ایستاده ام قدری از مالیه شکایت دارم که از هیچ وزارتخانه ندارم برای چه؟ برای ترتیباتی که سابقین دادند و نخواستند تشکیلات را درست تنظیم کنند بالاخره ما يك متخصص عالی مقام میخواهیم بیاید اینجا تشکیلات مالیه ما را اداره کند و این داد و فریاد مردم قطع شود. فرمودند که از بابت تقشیش در اینجا اسمی برده نشده. ما بکنفر مقشش داریم. یکی از متخصصین مقشش است. تقریب حساب هم میکند. و در اینجا مصرح است که هر سال مجبور است بالاخره حسابش را پس بدهد آقا اگر تصور میفرمائید اینقدر کافی نیست پیشنهاد کنید شدید تر تکلیفش معین باشد توضیحات بدهند اگر چنانچه حقیقه قابل قبول باشد مجلس هم قبول میکند به پیشنهاد آقا رای میدهد و حضرات هم میآیند بالاخره گمان نمیکنم آقا بتوانند باین لایحه مخالفت شدیدی بکنند زیرا در تمام نقاط ایران فردی نیست که تصور بکند ما متخصص برای اداره کردن مالیه نمیخواهیم

بعضی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است.
فیروز آبادی -- بنده مخالفم
رئیس -- بفرمائید

فیروز آبادی -- بنده تصور میکنم این لایحه خیلی اهمیت دارد و خیلی هم خرجش زیاد است باید يك قدری مذاکرات در این طولانی تر شود هر کس هر عرضی دارد بکند که مثل متخصصین سابق نشود که بعضی ها را نگهداشتند و بعضی ها را قبل از اقباض مدت کنترالتشان مرخص کردند بعضیها شان رفتند بعضیشان را هم همین روزها بیرون میکنند این جور دیگر نشود پس باید در اطراف این لایحه مذاکرات کامل و کافی بشود و هر کس هر حرفی دارد بزند که مثل متخصصین سابق نشوند که در اثناء کنترالتشان آنها را مرخص کنند بروند و يك مبلغ گرافی از مال مملکت را بآنها ناحالا داده آید بقی را هم بدهید بروند تقریباً صد و پنجاه هزار تومان اینها خرجشان میشود باید حرف زده شود

مخبر -- عرض کنم مذاکره در کلیات این لایحه فقط روی این است که با اساس لایحه کسی مخالف است یا موافق اگر يك عده اساساً مخالف باشند که يك استخدامی از خارج بشود در کلیات لایحه باید بگویند که ما اساساً با این لایحه مخالفیم اما کسانی که در مواد يك لایحه نظر دارند و با اساس موافقتند بهتر این است اجازه بدهند در مواد مذاکره شود شاید خود بنده هم از اشخاصی باشم که معتقدم در مواد يك معایبی هست و باید آقایان پیشنهاد کنند رفع شود ولی باید آقایان تصدیق کنند که آنقدر که ما محتاجیم بسرعت تصویب این لایحه محتاج باین مذاکرات نیستیم

رئیس -- رأی میگیریم آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس -- اکثریت است. رأی گرفته میشود بشور

در مواد آقایانیکه شور در مواد را تصویب میکنند قیام فرمایند
(اکثر نمایندگان برخاستند)

رئیس -- تصویب شد

بعضی از نمایندگان -- تنفس

رئیس -- میفرمائید چند دقیقه تعطیل شود؟

(گفته شد بلی)

(در اینموقع جلسه برای تنفس تعطیل و

بفاصله نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس -- ماده اول قرائت میشود آقای زعیم پیشنهادی کرده اند

(بمضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم لایحه متخصصین مالیه دو شوری باشد
رئیس -- آقای زعیم

زعیم -- پیشنهاد من توضیح زیادی لازم ندارد این استخدام چند نفر متخصص و شرایط استخدام در امور مالیه ما خیلی مؤثر است و هر قدر ما در اطراف استخدام آنها بیشتر مطالعه کنیم جای دوری زفته است باضافه این لایحه جزو دستور نبود لایحه بلدیه و قانون او جزو دستور بود امروز غفلة و بلامقدمه جزو دستور شد اگر آقایان مطالعات صحیحه در اطراف قضیه نکرده اند پیشنهاداتی تهیه شده است بنده باین مناسب پیشنهاد کردم که دو شوری باشد تا اینکه مجال بدهد به آقایان که در اطراف قضیه فکر کنند و خود دولت هم موفق شود در اطراف آن پیشنهادات مطالعه کند.

رئیس -- آقای رفیع

رفیع -- آقای زعیم البته متذکر هستید باینکه این مسئله تا چه اندازه برای مملکت اهمیت دارد هر وقت در هر موقعی که ریاست کل مالیه لایحه اش اینجا مطرح میشد همه آقایان متذکر بودند که چرا تکلیف متخصصین

مالیه معلوم نمیشود مدتی است این لایحه از کمیسیون بودجه گذشته چاپ شده برای اینکه آقایان مطالعه فرمایند در خارج میروند با هم مطالعه میکنند بالاخره میتوانند در موقع خرجش اگر ایزادانی دارند مذاکرات خودشان را بکنند رئیس محترم مجلس فرمودند يك شوري است و از مجلس سؤال کردند که مخالفی هست کسی اظهاری نکرد و با يك توری بودنش کسی مخالفت نکرد حالا هم ما تکفیم تمام این مواد حالا بگذرد، عملی نیست البته نمیتوانیم، چهارده بارده ماده است بالاخره در يك ماده اش مذاکره میشود و رأی گرفته میشود و ماده بعدش میباشد برای بعد ولی این لایحه مهم است و ما تا وقتی که این لایحه را ننگذرانیم تمام کارهای مملکت فلج است هر روزی که تعویق بیفتد بالاخره يك صدمه است که مملکت وارد آمده است بایستی همه موافقت فرمائید لایحه بگذرد.

رئیس -- رأی میگیریم به پیشنهاد آقای زعیم آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس -- تصویب نشد. ماده اول

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده اول - مجلس شورای ملی بدولت اختیار میدهد که متخصصین خارجی ذیل را برای مدت دو سال استخدام نماید

۱ - یک نفر متخصص عالی مقام مالی و اقتصادی از اتباع آلمان

۲ - یک نفر متخصص برای ریاست خزانه داری کل از سویس

۳ - يك نفر متخصص برای ریاست اداره محاسبات کل از سویس

۴ - يك نفر متخصص برای اداره تفتیش از آلمان

رئیس -- آقای فیروز آبادی پیشنهاد کرده اند که لایحه

از دستور خارج شود. آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - مدتی بود که همه ایران امیدوار بودند که متخصصین از خارج میآیند در ایران و ایرانیها از آنها استفاده های کلی میکنند این امید سالها بود بعد دیدند متخصص آمد در ایران با حقوقاتی خیلی گزاف که بحال ایرانیان خیلی زیاد بود در مقابل حقوقهای گزاف و امیدواریهایی که از آنها داشتند مابوس شدند در واقع نتیجه صحیح بقدر امیدواری بردند و اگر هم بردند نمیدانم چه شده که تندتند دارند آنها را جواب میکنند اگر اینها قابل استفاده هستند چرا ازشان استفاده نمیکنند اگر قابل استفاده نیستند چرا امریکائیهایی که آنقدر مواظب قانون و همه چیز هستند جواب میکنند و يك عده از جای دیگر تازه میخواهید بیاورید و حقوق آن امریکائیها را هم تمام میدهید در صورتیکه یکسال شش ماه هشت ماه از مدت کمتر از آنها باقی مانده بنده عقیده ام این است خود اهالی مملکت را در تحت قانون بیاورید يك مجازاتی بر قرار کنید خوب مقتضای ایران هم میتواند تفتیش کند لازم نیست شما از آلمان یا سویس مقتضای بیاورید که عملیات ما را تفتیش کند و سالی ده هزار تومان نیست هزار تومان ندیم چرا عملیات خودمان را خودمان تفتیش نکنیم چرا مقتضای خود ما خود ما نباشیم همماش خارجیها؟! اگر قابل استفاده اند چرا تند تند بیرون میکنیم اگر قابل استفاده نیستند چرا تازه میآورید بنده باین ملاحظه پیشنهاد کردم از دستور خارج شود به بدین صلاح هست اینها را بیاورند آنوقت با حقوقهای گزافی که بنده نمی دانم صد و پنجاه هزار تومان خرجش میشود و آنوقت سرشش ماه جوابش میکنیم بنده باین ملاحظه عقیده ام این است که از دستور خارج شود بعد بدولت مذاکره شود اگر صلاح شد بيك ترتیب خوشی بیاورند بشرط اینکه بعدها ازش بتوانند استفاده کنند

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده هرچه مطالعه کردم در کلام آقا چیزی نیافتم جز این قسمت آخر کلامشان که فرمودند با دولت مشورت کنیم. آقا با دولت مشورت کردیم دولت میگوید خیلی لازم است دولت این را در تشکیلات مالیه در حفظ کردن مالیه مملکت و تقاضات و محاسبات لازم میدانند ما ناچاریم باینکه چند وقتی متخصص بیاوریم که کارمان را اصلاح کند

رئیس -- آقایانیکه این پیشنهاد را تصویب میکنند قیام فرمایند.

(عده قلیلی برخاستند)

رئیس - تصویب نشد. آقای ارباب کیخسرو در ماده

اول فرمایشی دارید

ارباب کیخسرو - همین قسم که اینجا گفته شد حقیقتاً بطور کلی وقتی نگاه کنیم وجود مستشار را بنده در این جا زیادی می دانم این متخصصی که اینجا نوشته اند البته بنده این عرض را نمیکنم که موافقت کرده باشم با آن اختیارات که رئیس کل مالیه داشت چه ان اختیارات از اول زبدهی بود و حالا هم این عرضی را که میکنم عقیده ندارم که يك کسی بیاید با يك اختیاراتی مطابق آن ولی در این موادی که اینجا نوشته شده است بنده متأسفانه درست نفهمیدم که این متخصص مالی که اینجا میآید برای ما جز اینکه يك چیزهایی بنویسد و بدهد اگر خواستند قبول کنند نخواستند رد کنند فایده دیگری ندارد همان قسمی که آقای باعداد هم در ضمن اظهاراتشان فرمودند در گذشته نجره کرده ایم اشخاص خیلی متخصص هم آمدند در اینجا بعنوان مستشار و متخصص و نتیجه از آنها گرفته شد حالا شاید در آتیه برخلاف این واقع شود و البته امیدواریم بشود حالا چون در اساس رأی داده شده است البته بنده در این موضوع زیادتر از این عرض نمیکنم اما نظریاتی که در اینجا

راجع بکلیات داشتم و در ماده اول میشود گفت این است که در دوره دوم مجلس يك قانونی برای امور مالی گذشت قانون دیوان محاسبات ما هیچ هم بموقع اجرا نگذاشته نشد بعد برای خلاصه کردن آن مجلس های گذشته يك کمیسیون تطبیقی قرار دادند آن هم بعد از آن که رئیس کل مالیه گذشته آمد در واقع آن کمیسیون تطبیق مالی رفت جزء قرار داد استخدام او (قانون او از میان دارد می رود و خوب هم هست که می رود بنده موافق نبودم باینکه يك رئیس مالیه در قانون دیوان محاسبات هم مختار باشد اما در ضمن این قانون بنده هرچه نگاه کردم چه تکلیفی برای جمع و خرج معین نمیشود اینجا در يك ماده میگوید خزانه دار کل مکلف است بودجه را تهیه کند آخر سال هم جمع و خرج خودش را بمحاسبات بدهد بعنوان تفریح بودجه و آنها هم مفاصا بدهند اما دیگر این موضوع معلوم نیست که این جمع و خرجی که میشود در کجا رسیدگی میشود بالاخره مطابق قانون اساسی جمع و خرج تصویب و تفریحش را همه را باید مجلس شورای ملی بکند آقای وزیر مالیه چه نظری در این باب دارند چون بالاخره این پیشنهاد را ایشان میدهند از این تاریخ که این تصویب میشود محاسبات مالیه چه صورت خواهد داشت این محاسبات کجا خواهد رفت؟ کجا رسیدگی خواهد شد؟ از ابتدای مشروطیت تا بحال جز قانون تفریح بودجه مجلس شورای ملی که سالیانه بمجلس آمده است هنوز از طرف دولت هیچگونه قانون تفریح بودجه بمجلس نیامده است بعد از این هم همین صورت را خواهد داشت یا يك صورت بهتری خواهد داشت؟ این در قسمتهائی است که بنده بطور کلی در نظر گرفته ام و اما در قسمت ماده اول خواستم ببینم چه ترتیبی در نظر دارند که دو سال مدت را قرار داده اند اگر تصور میفرمایند بعد از اینکه این دو سال منقضی شود دیگر به متخصص محتاج نخواهند بود بیاورند البته این مسئله مورد تقدیس

است ولی اگر تصور نمیفرمایند عقیده بنده این است که اقل مدت سه سال باشد برای اینکه يك فرجه باشد این اشخاص تا بیايند و داخل عمل بشوند مدت منقضی میشود بعد از انقضای آن مدت دیگر چه میشود باز يك اضافه حقوق و مخارج سفر و چیزهای دیگری باید متحمل شویم یا برای خود اینها یا برای دیگری اگر حکمتی هم دارد البته خواهند گفت یکی دیگر در موضوع این تشخیص است که در اینجا داده اند متخصص مالی را معین کرده اند از آلمان برای خزانه داری و محاسبات از سوئیس و برای نفتیش از آلمان بطوری که عرض کردم متخصص مالی در واقع هیچ دخالتی در جمع و خرج و حساب و اینها نخواهد داشت او فقط طرف مشورت است که يك پیشنهاد بدهد اگر موافقت حاصل شد که قبول میشود و اگر نشد هیچ عمده اینجا دو تا است یکی خزانه داری است یکی محاسبات این اختلاطی که اینجا معین شده است البته يك حکمتی داشته است که اینها مخلوط باشد و بهتر میتواند در کار نفتیش کنند عقیده بنده این است اگر بجای خزانه دار با محاسبات یکی از آنها را سوئسی میکردند و یکی آلمانی ما بهتر نتیجه میگرفتیم تا اینکه دو جای مهم را بيك ملت واگذار کنیم البته این را من با يك نظر بدی عرض نمیکنم ولی چون خود دولت معتقد به این تفکیک شده است عرض میکنم خوب بود این تفکیک را تکمیل میکردند اینجا اداره نفتیش را معین کرده اند از آلمان بنده نمیدانم که نفتیش چه اختیارات خواهد داشت البته شاید آقای وزیر یا آقای خیر توضیح بدهند بنده هم قائم شوم ولی اگر نفتیش او منحصر خواهد بود همین که از گذشته اطلاع داریم نفتیش در امور اجراء باشد و يك کاری نکنند که وقت نگذرد این يك کاری است که کفایت نخواهد کرد که خزانه داری و محاسبات در تحت اختیار دو نفری باشد که از يك ملت باشند و کسی دیگر نفتیش در کار آنها نکند البته بعد از آنکه توضیح دادند شاید بنده قائم شوم و اگر نشدم در فانی عرض خواهم کرد.

وزیر مالیه - اعتراضی که باین لایحه میشود و نمائنده محترم هم يك قسمت از آنرا اظهار فرمودند راجع باین است که آیا این مستشار که ما قائل شدیم یا اینکه يك اختیارات اجرائی ندارد این قابل استفاده هست یا نیست اینجا آقایان باید متذکر باشند (در کمیسیون بودجه دو مطلب مطرح بود مفصلاً خدمت آقایان عرض شده است يك کار کار اداری و جریان داخلی يك وزارتخانه است و متأسفانه تا يك مدت هائی بواسطه اینکه يك بصیرتها و يك ورزیدگی هائی لازم است که در خود ما بطور کامل موجود نیست ما بایستی استعانت از علم و اطلاع و بصیرت خارجیها بکنیم در قسمت اداری و در قسمت جریان کار البته کسی که مسؤل يك اجرائیاتی میشود بایستی برای ابقاء باین مسؤلیت و توانائی بانجام وظیفه يك اختیاراتی هم داشته باشد. مسؤلیت باین اختیارات باین حرف لغوی است، حرف باین معنی است و روی همین اصل است که ما خزانه دار را که در حقیقت از نقطه نظر جمع و خرج از نقطه نظر محاسبات از نقطه نظر وصول و پرداخت مسؤلیتی در مقابل قانون و در مقابل دولت برایش قائل میشویم و برای خزانه دار يك اختیارات در حدودی که برای این کار لازم است باو مطابق این قانون پیشنهاد می کنیم که البته در موقعش وقتی رسیدیم اگر نظریاتی باشد در اطراف مواد بحث خواهیم کرد. مستشار را ما اینطور فکر کردیم (و این نظر ریشه تنظیم این لایحه است) که در حقیقت استفاده های تشکیلاتی قانونی هم از حیث مالی و هم از حیث اقتصادیات عمومی مملکت از او ببریم این فقط مستخدم وزارت مالیه نیست اینرا ما باین نظر میآوریم که در کلیه مسائل اقتصادی مملکت مثلاً در فواید عامه هم که یکی از رشته های مالیه است ذی نظر باشد و ازار استفاده علمی و اطلاعی بکنیم و برای ما يك زمین سازها بکند. حالا باید دید يك همچو آدمی که استفاده های بسط میخواهیم از او بکنیم در اجرائیات هم لازم است

يك مداخلات و اختیارات نامی داشته باشد؟ به عقیده بنده لازم و ملزوم نیست بلکه از يك حیث خوب هم نیست. ما چیز هائی را که لازم داریم يك چیز هائی است که باید یاد بگیریم و باید راهمائی شویم و اگر ما این قدر نسبت به ادارات خودمان، به وزراء خودمان، و نسبت بوکلاء و افکار خودمان و بالاخره هر کس در عالم خودش اینقدر اعتماد نداشته باشیم البته اگر فرضاً يك چیز را او خوب تشخیص داد و ما هم آنرا خوب و بخیر مملکت تشخیص دادیم دنبال آن فکر خواهیم رفت. و اگر کسی فرضاً پیدا شد که سست آمد دیگران نخواهند گذارد. و اگر این نظر را نسبت بهمه پیدا کنیم آنوقت بدیهی است که کار ما با هیچ مستشاری درست در نخواهد آمد، در عین حال ما در کمیسیون بودجه نظر خودمان را توسعه دادیم و قائل شدیم باینکه کسی را که برای اینکار یعنی برای استفاده میآوریم برای اینکه همانطور که گفته شد کتاب نباشد و میتوانیم از تجربیات علمی و اطلاعات او استفاده کنیم و او هم بتواند اصول علمی و معلومات و تجربیات خودش را با اخلاق و عادات و احتیاجات مملکتی ما تطبیق کند مخصوصاً قید کردیم که اینها دارای يك اختیارات باشند و يك کار هائی بکنند و الا آن کتابی میشود که آقای امامداد اشاره فرمودند البته باید باین شخص که میآید وسیله داد که بتواند در زندگی اداری ما در تشکیلات اداری ما و در وضع و اخذ مالیاتهای ما و بالاخره در اجرای قانونی در ایالات و ولایات در همه جا مطالعات کند و بتواند تطبیق کند احتیاجات ما را بدیهی است اگر این آدم را ما مستغرق تکالیف اداری و کاغذ بازی بکنیم آن استفاده هائیرا که ما میخواهیم منتظریم که از او بکنیم نخواهیم کرد. ما در اینجا خواستیم تفکیک کنیم.

در کار های اداری و نظارت و جمع و خرج يك اشخاصی را بگذاریم که مطابق قانون عمل کنند و از طرف دیگر يك کسی را که وقتش بیشتر باشد آزادیش بیشتر باشد

باید بیاوریم و يك وسائلی هم باید برایش ایجاد کنیم وقتی که مواد رسیدیم شاید يك چیز هائی که فعلاً در این لایحه نیست خود بنده برای تأیید این فکر تذکر بدیم و آقایان هم موافقت بفرمایند که يك وسائلی برای پیشرفت کار این مستشار ما میسر کنیم. چرا! برای اینکه ما میخواهیم این آدم از زندگانی اداری و عادی ما مطلع شود مثلاً یکی از چیز هائی که بنده در نظر دارم این است که نفتیش را باید با او يك اتصالات قانونی داد گرچه این کار را بدون قانون هم ممکن است کرد ولی برای اینکه بهتر و محکم تر باشد مقتضی است که در ضمن قانون تکلیفش معین شود. برای اینکه از مجرای اداره نفتیش هم بتواند اطلاعات لازمه داشته باشد و تنها وزیر وقت نباید این اطلاعات را داشته باشد. گرچه وزیر هم که اطلاع داشته باشد باید بآن مستشار بگوید و اطلاع دهد ولی خوب. کار است. ممکن است يك وقتی وزیر غفلت کرد و نداد یا نخواست بدهد غرض این است که يك ترتیبی باشد که خود او هم از وضعیت اداره نفتیش اطلاعات داشته باشد. و خود نفتیش مستقیماً بخود او این اطلاعات را بدهد یا وقتی که يك پیشنهادی داد و خواست دنبال پیشنهاد خودش رود که به بند این پیشنهاد چه تأثیری در اصلاح دارد؟ و اگر خواست يك تحقیقات از مجاری نفتیش بکند بتواند مقصود این است که يك تسهیلاتی برای کار او قائل شد و وقتی که وارد مواد شدیم البته در این مذاکرات و نظریه ها بحث خواهیم کرد روی همرفته این فکر را آقایان باید درست تشخیص بدهند که برای این مقصودی که ما در نظر داریم يك اختیارات نام و تمامی مستشار لازم ندارد، و قطع داشته باشید که همین ترتیب کار او بهتر و بیشتر پیشرفت خواهد کرد و قابل استفاده تر خواهد بود. هم وقت او بیشتر و فارغ تر میشود و هم آزادی و مجالش زیادتر است و هم اصطکاک و تماسش با يك مقاماتی کمتر است و روی همرفته بهتر

میشود از او استفاده کرد. آقای ارباب اشاره فرمودند باینکه، قانون دیوان محاسبات اجرا نشده و بجای او يك کمیسیون تطبیق بوده که آنها هم بیک صورت دیگری در آمده است بالاخره خواستند بدانند این وضعیت چه خواهد شد؟ و باین لایحه بعد از این ترتیب این کار چه صورت پیدا خواهد کرد؟ البته خاطر آقایان مستحضر است که قائم مقام کمیسیون تطبیق حالا هم هست و مطابق اختیاراتی که قانون رئیس کل مالیه داده بود و مطابق قانون خزانه داری که آنجا اجرا میشود و به تصویب مجلس هم رسیده گویا در ماده ۸ یا ۶ قانون خزانه داری (ماده اش درست نظرم نیست) در آنجا تشخیص و تصریح کرده که برای تطبیق حوالات يك اشخاصی را وزیر مالیه و رئیس کل مالیه باید معین کنند (این در قانون سابق است نه در این قانون) و مخصوصاً در آنجا قید کرده که اینها از اجزاء خزانه نباید باشند. بلکه اینها يك مأمورینی هستند که حوالات را تطبیق میکنند و امضائی که پای آن حوالات است (نه از نقطه نظر وظیفه داری و مالیه بلکه از نظر حق قانونیکه دارند) باید ملاحظه و معاینه و تطبیق کنند در قانون خزانه داری این مسئله معین است. الان هم این ترتیب معمول است. ولی در این قانون ما این وظیفه را برای خزانه دار معین کردیم و علت اینکه این ماده را ذکر نکردیم عمداً برای این بوده است که چون این وظیفه تطبیق و این اختیار و حق کنترل را به خزانه دار خواستیم بدهیم و یکی از مهمترین مواد اختیارات او هم همین است زیرا در خواستها را که خزانه صادر نمیکند. بودجه را هم که خزانه تهیه نمیکند درخواستها را محاسبات وزارت مالیه تهیه و صادر میکنند بودجه را هم وزارت مالیه تهیه کرده و بتصویب میرساند و پس از تصویب مجلس وزارت مالیه اجرا کند آن بودجه است پس باید برای این خزانه داری که می خواهم اختیاراتی قائل شوم حق تطبیق حوالات را برای او بگذاریم. تا او به یقین این بودجه که وزارت مالیه امضاء

و تهیه کرده با اعتبارات موجوده تطبیق میکند یا نه؟ اگر تطبیق میکند بدهد و اگر تطبیق نمیکند ندهد. باین ملاحظه این حق و اختیار را در ماده هشت یا شش بار داده اند. این مسئله در قانون سابق بود و بنظر خود او باقی گذارده شده بود برای اینکه وقتی که آمد یا اگر خواست با نظر خودش جور دیگر کند مختار باشد. پس بطوریکه ملاحظه میفرمائید تطبیق هست و خواهد بود.

اما مسئله دیوان محاسبات البته تصدیق میفرمائید چنانچه خود بنده هم معترفم که یکی از نواقص بزرگ ما نداشتن دیوان محاسبات با يك قانون و چیزی که قائم مقام او باشد. علت این که قانون دیوان محاسبات تا بحال اجرا نشده برای این بوده است که این قانون آن طوری که باید سهل الاجرا باشد نیست و سائلش برای ما میسر نیست که يك چنین مؤسسه اساسی را درست کنیم و با اجرا بیندازیم و البته یکی از کارهای مهمی که ما از این مستشار می خواهیم همین است که نسبت باین قبیل قوانین که حقیقتاً قانون اصولی است نظر بکند و يك چیزهایی بما راه نمائی و دلالت کند که کاملاً مطابق مذاق و استعداد ما باشد. ما امروز اگر بخواهیم در يك اداره پنج یا شش شعبه که مثل دیوان محاسبات باشد با همان وظائف و اختیارات تأسیس کنیم شاید آن اندازه آدم نداشته باشیم آنها يك چیزهای مروری است شاید اگر امروز ما بخواهیم يك چیزهایی کوچکتری درست کنیم که قابل استفاده بشود بعد از الغاء قانون چهارم اسد و تصویب این قانون البته بلافاصله باید بقوانین مملکتی قانون دیوان محاسبات که تاکنون بلا اجرا مانده یا قانون کمیسیون تطبیق حوالات سر و صورت اساسی داد. و این کار را البته مستشار ما باید بکند ما اگر میخواستیم در این قبیل کارها عجله کنیم شاید یکقدری متناقض میشد زیرا وقتی که ما قائل به مستشار و استشاره فکری و عملی و قانونی شدیم و معتقد

شدیم باینکه يك کسی باید هادی فکری و دلیل راه قانونی ما باشد دیگر عجله لازم نیست و باید صبر کنیم که این اشخاص بیایند و این قبیل کارهای ما با هدایت فکری همین اشخاص که بوجودشان قائلیم سرو صورت گیرد. و اگر خودمان می خواستیم بکنیم نتیجه بود. اما مسئله محاسبات را که فرمودید که بعد از این محاسبات چه صورتی خواهد داشت و در کجا خواهد بود اگر بقانون خزانه داری مصوب که الان هم جاری است ملاحظه بفرمائید خواهید دید که مقنن در قانون محاسبات همچو نظر داشته که وجوه عمومی بانام در خزانه داری تمرکز پیدا کند. متأسفانه مأمورین و مستشاران پیشین ما این قسمت از قانون را اجرا نکرده اند خزانه که ما تا بحال داشتیم صورت يك صندوق محاسباتی را داشته و آن ماده قانون که محاسبات مملکتی را جزء وظایف خزانه می گذارد عمل نشده و در عوض در خود وزارت مالیه يك اداره محاسبات کلی که برطبق يك قانون دیگری که قانون محاسبات عمومی باشد این کار را میکند و عمل می نماید. ما در این قانون باز همان فکر سابق مقنن را تعقیب کرده ایم یعنی خواسته ایم در آتیه مرکز حقیقی محاسباتی را در خزانه داری تمرکز بدهیم. برای اینکه خزانه این وجوه را وصول میکند و خودش هم خرج میکند و البته نگاهداری این حساب در يك مرکز سهلتر است. اما حالا چه صورتی دارد؟ حالا يك محاسباتی ما در صندوق داریم که بنده اسمش را گذارده ام محاسبات صندوقی، محاسبات خزانه. اداره محاسبات حالا هم هست ولی طبیعی است که يك چیز زیادی است. و همان محاسبات صندوق هم زیادی است. يك اداره محاسبات خیلی عریض و طویل هم در وزارت مالیه داریم که اداره محاسبات کل است و مطابق قانون محاسبات عمومی عمل میکند. يك اداره محاسبات هم الان در اداره عایدات داریم که حساب عایدات را می کنند. در سه جا سه اداره محاسبات داریم ولی در نتیجه يك حساب صحیح هم

نداریم. حالا ما در این قانون خواستیم و این طور معتقد شدیم که اداره وصول عایدات را هم ضمیمه خزانه بکنیم و خزانه دار را هم مسؤول و مجاز قرار دهیم در پرداخت و مأمورین وصول عوائد و عملی که عایدات را وصول می کنند در تحت نظر او قرار دهیم عمل پرداخت هم که با او است. حساب عمومی مملکت را هم از نقد، جنس جمع و خرج و غیره او نگاه میدارد يك محاسباتی هم در وزارت مالیه خواهد بود که مثل تمام محاسبات دیگر دنیا کنترل کننده است و فقط نسبت بصحت جریان آن محاسبه نظر دارد و نتیجه گیرنده آن محاسبه است یعنی چه؟ یعنی لوائح تفریغ بودجه را این اداره باید تهیه کند و ملاحظه نماید در این قانون هم باین مسئله اشاره شده و در مواد اخیر این قانون اشاره و ذکر شده که خزانه دار باید در موقع مقرر قانون پیش بینی عوائد سال بعد را با اداره محاسبات بفرستد برای اینکه محاسبات لایحه بودجه سال بعد را که از وظائف این محاسبات است تهیه نماید. همین طور نوشته شده که باید وصولی و پرداختی را بفرستد برای اینکه محاسبات لایحه تفریغ بودجه را باید تهیه کند با این ترتیب این «محاسبات» خلاصه میکنند، نظارت میکنند، و انجام وظیفه کنترلی می نمایند و بودجه را پیش بینی میکنند و لایحه تفریغ بودجه را حاضر میکنند ولی آن محاسبات کل و محاسبات جزء دفاتر محاسباتیکه راجع بتمام ایالات و ولایات است. باید در آن مرکزی باشد که بیشتر با اینکار سروکار دارد و مربوط است و آن خزانه است و این ترتیب هم ساده تر میشود و هم از حیث تشکیلات سبک تر میشود و از هر جهت بهتر است و این نظریه بود که ما بانظر خود متخصص اتخاذ کردیم و همان نظریه قانونی سابق خزانه داری را تعقیب کردیم. این نظر را ابتدا خود دکترو میسید هم داشت و تعقیب میکرد حالا چه شد که بعد پشیمان شد با تقوانست اجرا کند بنده نمیدانم پس در این قسمت عراضی که کردم و آن سؤالی که

نماینده محترم راجع به تعقیب لایحه تفریح بودجه کردند گمان میکنم بقدر کافی توضیح خدمتشان عرض کردم. راجع به اظهاراتی که در موضوع مدت فرمودند که چرا مدت استخدام این مستشاران دو سال است و بیشتر نیست و متأسفانه علتش آن دلیلی که اظهار فرمودند نیست یعنی ما نمیتوانیم همچو پیش بینی کنیم که دو سال بعد ما از وجود این ها مستغنی خواهیم بود البته همه ماها این نظر و سعی را باید داشته باشیم هر قدریکه ما زودتر از وجود خارجی ها مستغنی شویم بهتر است و بسعادت خودمان بیشتر خدمت کرده ایم ولی این یک چیزی است که نمیشود پیش بینی کرد زیرا مرور زمان میخواهد تجربه میخواهد علم میخواهد. پس ما دو سال را برای این معین نکرده ایم که بعد از این مدت مستغنی شویم بلکه برای این بود که اولاً این مستشارانی که ما در نظر گرفته ایم بیاوریم یک اشخاص مهم و وزیده متخصص عالمی هستند این قبیل اشخاص رسمشان این است که برای یک کارهایی که هنوز در آن تجربیات کافی ندارند و نمیدانند چه صورتی پیدا خواهد کرد نمی توانند یک تعهدات طولانی تری بکنند. ما خواستیم رعایت حال این اشخاص را هم کرده باشیم. ممکن بود مامدت را خیلی طولانی بکنیم ولی بعد از دو سال اختیار فسخ بگذاریم. خوب این هم همان است فرقی نمیکند. حالا ما این دو سال را قرار دادیم تا به بینیم چه میشود بعد از این مدت البته باز میتوانیم تمدید و تجدید کنیم ما چون این نظر را نسبت به مستشار داشته ایم نسبت بجزایه دار و دیگران هم همینطور قرار دادیم برای این که مدت همه یکسان باشد و در واقع خواستیم مدت را نسبت همه منطبق و یکسان قرار داده باشیم و الا ممکن بود نسبت بدیگران سه سال چهار سال مدت قرار دهیم ولی مدت را نسبت همه یکی قرار دادیم برای اینکه در آخر دو سال اگر خواستیم تجدید کنیم همه را تجدید کنیم و با اگر تغییری بدهیم نسبت همه باشد. این که

فرمودند رئیس تقفیش که می آید چه اختیارات باو داده میشود یا رئیس محاسبات را چه اختیارات میدهند اینجا يك نکته است که آقایان بطور کلی باید متذکر باشند که: هر مستخدمی را که ما میآوریم نباید بهر يك از آنها يك اختیارات مبسوطی بدهیم. اختیار را اساساً بيك نفر دو نفر میشود داد نه به همه. در حقیقت این اختیار را بيك نفر میشود داد زیرا هر اداره مطابق قانون مطابق نظامنامه یا قوانین موضوعه و موجوده يك تشکیلات و حدودی دارد و هر کس که میآید باید عامل آن وظائف و مجری آن تکالیفی باشد که قانون و نظامنامه برای هر اداره معین کرده است. حالا اگر صلاح باشد بعضی چیزها را کم و زیاد کند یا لازم باشد قانون یا نظامنامه را اصلاح کند آن در ضمن عمل درست خواهد شد. مثلاً قانون محاسبات عمومی برای اداره محاسبات وزارت مالیه يك تکالیف خیلی سنگینی را معین کرده حالشما که يك کسی را برای ریاست محاسبات می آورند این را مجری و عمل کننده قانون موجود راجع بمحاسبات در مملکت خودتان میکنند با نسبت بقانون که بعد ایجاد می کنید. تفاوت که این کار با کار سابق دارد این است که سابق بر این هر مستخدمی را که می آوریم برای يك کار معین و ثابتی نبود مثلاً برای فلان کار که خزانه یا محاسبات باشد بطوری که غیر از آن کار دیگر نمیکنند نبود بلکه همینطور بکعبه را بعنوان معاونت رئیس کل مالیه میآوریم و آن وقت هر کس را که او میخواهد بهر کاری بگمارد میتواند و مختار بود مثلاً میخواهد يك کسی را رئیس محاسبات کند یا پیشکار مالیه فلان نقطه بکند یا کار دیگری باو بدهد مختار بود ولی ما دیدیم این طرز جریان کار در موقع عمل خوب نیست و بهتر این است هر کسی را که می آوریم بدانیم برای چه کار است مثلاً فلان آدم قابل برای ریاست محاسبات است. متخصص و متفنی مثلاً در محاسبات است؟ در تقفیش است؟ در خزانه است؟ در چه کار است و برای هر کاری آن کسی که مناسب است

بیاوریم. وقتی که اینطور شد ما میدانیم فلان آدم رئیس محاسبات قانونی ما است وقتی که به این سمت شناخته شد آن وقت تمام وظائفی را که يك رئیس محاسبات باید مطابق قانون داشته باشد خواهد داشت و تکالیف او معلوم است و این البته بهتر است و این ترتیب هم بصرفه ما است و هم به صرفه آنها. محاسبات عمومی مملکت باید بطور کلی قانون داشته باشد حالا این بکمک مستشار اجرا شود یا بکمک خزانه دار این چندان اهمیت ندارد و اگر عیبی در کار هست در هر حال قانون موجوده را باید اصلاح کرد اگر خوب است باید نگاهداشت و اگر نواقصی دارد باید اصلاح کرد. و معایبش را رفع کرد. آن آدمی هم که میآید مطابق قانون اختیاراتش معلوم است و وقتی که بنا شود تکلیف هر کس که میآید از اول معلوم باشد آنوقت دیگر شما نمیتوانید کسی را که رئیس محاسبات است و برای این کار استخدام کرده اید بفرستید بفلان نقطه و او را مثلاً امین مالیه فلان جا کنید این ها يك مسأله است که دیگر ذکرش در کلمات ضرور نیست و روی هم رفته همچو تصور میکنم که تقریباً جواب تمام فرمایشات که فرمودند عرض کردم و در مواد هم اگر يك نظریات باشد باز ممکن است در موقع عرض کنم. اشاره فرمودند به ملیت این ها باید عرض کنم این تفکیکی را که ما کردیم برای این بود که همچو فرضی کردیم حالا که ما روی این خط سیر میکنیم بهتر این است که خزانه دارو محاسبات از دو ملک باشند این البته يك مسئله ایست نظری. بنده خودم هم این نظری را که میفرمائید شاید

هنوز نتوانسه ام روشن کنم البته در این موضوع باید با سایر همکار های خودتانی و همینطور با اشخاص دیگر که باید مشورت کنیم مشورت میکنیم صحبت و مذاکره میکنیم و بالاخره حل میکنیم. ممکن است آقا پیشنهاد بفرمائید و ما مورد مذاکره و مطالعه قرار بدهیم. ما بطور کلی روی يك اصل کلی این نظر تفکیک را داشتیم حالا باینکه فلان شغل مال این باشد یا فلان شغل دیگر مال آن دیگری این را ممکن است در موقع پیشنهاد بفرمائید و اگر قابل موافقت بود مانعی ندارد که قبول کنیم اما این را هم خدمت آقا بان عرض کنم که شاید خود بنده در جلسه بعد تقاضا کنم که بر این لایحه يك چیزی اضافه شود و در جلسه بعد نتیجه تحقیقات خودم را خواهم کرد. فعلاً نمی توانم در این موضوع چیزی بطور قطع عرض کنم ولی بطور کلی همینقدر عرض میکنم که ما مجبوریم برای این مستشاری که میآوریم یکی دو نفر مستشار برای وظائف اداری از نقطه نظر کار خودش بیاوریم و این فقط از نقطه نظر وظائفی است که برای او معین شده و در واقع بطور تمک خواهد بود. این مسئله بین ما و خود آنها مورد بحث و مذاکره است و فردا تکلیفش معین خواهد شد. و البته پس از آنکه تکلیفش معلوم شود بعرض آقایان میرسانم

جمعی از نمایندگان - ختم جلسه.

رئیس - بقیه مذاکرات میماند برای روز شنبه

(گفته شد - صحیح است)

(مجلس یکساعت ونیم از ظهر گذشته ختم شد)